

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگی‌نامه‌ی

سید رحیم موسویان

سید رحیم موسویان در شهرستان متولد شد و تا کلاس پنجم ابتدایی تحصیل نمود. سپس مشغول به کار شد و در کنار پدرش کشاورزی کرد. وی از بهمان اوان کودکی فردی مذهبی و متدین بود که حتی هنگام بیماری حاضر به ترک روزه اش نمی‌شد. بعد از خدمت سربازی ازدواج کرده که حاصل ازدواج او دو دختر و سه پسر می‌باشد. از ابتدای شروع جنگ تحمیلی عضو لیج مردمی شد و به دفاع از آب و خاک کشور پرداخت. یکبار مجروح شد و به بیمارستان منتقل گشت و بعد از بهبودی بار دیگر به خط مقدم اعزام شد. ۷ سال متوالی در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بود و با قبول قطعنامه ایشان به علت سواد پایین از لیج تسویه حساب گرفت.

وی استخدام موزه‌ی جنگ خرمشهر گردید و هنگام برداشتن مواد منفجره و جابه‌جایی آن در اثر انفجار یکی از این مواد به شهادت رسید.

دوروز قبل از شهادت به همسرش گفت: نمی‌دانم چه حالی دارم. دوست دارم خورشید بامیه برایم بسازد. بعد از نگر داشت چای می‌خورد و بچه‌ها را در بغلش گذاشته بود و اشک می‌ریخت. به همسرش گفت دوست دارم تا صبح همه

با وضو وارد شوید

بیدار باشیم. به همسرش توصیه کرد مواظب بچه هایم باش همیشه شبهای جمعه آنها را به گردش بیرونم اشک می ریخت. می گفت احساس عجیبی دارم. حس می کنم در باغ باطراوتی نشسته ام. شب هنگام تمام بچه هایم را بوسید و گریه می کرد. هر روز با ماشین به سرکار می رفت ولی آن روز پیاده رفت. همسرش به دنبال او رفت و دید تا پارک نزدیک خانه رسیده. شهید به همسرش گفت برو بچه هایم را بیاور. همسرش رفته و بچه ها را آورد. تا آنها را دید زار زار گریه کرد و این حالت او بسیار نگران کننده بود. گویا می دانست می خواهد از این دنیا برود. حقوقش را دودستی تقدیم همسرش کرد. بسیار متدین و با خدا بود. در طول بیست سال زندگی هرگز با همسرش اختلاف پیدا نکرد.

روح شاد و یادش گرامی باد

